

همایش علمی پژوهشی فقه و حقوق اسلامی

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار

((با حمایت معنوی مرکز علمی کاربردی سازمان همیاری شهرداری های استان اصفهان))

سردبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی شماره مجوز: ۷۸۸۶۴-۹۸/۲۳۵۱

سال برگزاری همایش: ۱۳۹۸ شماره مقاله: ۸۸۹۵/۰۷۷۶ رده بندی کنگره: غ ۱۰۱/۴۷۲

رابطه بین افزایش و ارتکاب جرایم توسط بزهکاران به واسطه

بحران های اقتصادی و مالی

ایرج جلیلیان

چکیده

جرم یک پدیده‌ی نامطلوب اجتماعی است که وقوع و رشد آن امنیت اقتصادی و اجتماعی را تهدید می‌کند و منجر به تحمیل هزینه‌های بالای اقتصادی و اجتماعی به جامعه خواهد شد. جرم عملی است که از سوی انسان‌ها در جامعه وقوع می‌یابد و چون نمی‌توان از تأثیر متقابل انسان و جامعه در یکدیگر اغماض کرد، ناچار باید برای اتخاذ سیاست کیفری صحیح به عوامل اقتصادی و اجتماعی توجه داشت؛ زیرا بسیاری از عوامل اجتماعی و اقتصادی از قبیل پایین بودن سطح معلومات و درآمدها، بی‌عدالتی در توزیع ثروت، تعلیم و تربیت اشتباه، معاشرت با بزهکاران و قاچاقچیان جنایتکار سبب می‌شود که افراد ساده لوح به تباهی کشیده و به راهی هدایت شوند که پایان آن زندان و محرومیت‌های اجتماعی است. از سوی دیگر وضع عادلانه توزیع و تقسیم ثروت، تعلیم و تربیت صحیح، روابط اجتماعی سالم و منظم و مهم‌تر از همه تعلیمات اخلاقی و مذهبی از مواردی هستند که مانع وقوع بسیاری از جرایم می‌شوند. از این رو باید برای درک علت واقعی وقوع جرایم به میزان تأثیر این بنیادها واقف شد تا علاوه بر کشف علت ارتکاب جرایم، به منظور بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی همت گمارد. شرایط خاص هر جامعه، فرهنگ، آداب و رسوم و وضعیت اجتماعی و اقتصادی در ایجاد، ازدیاد یا کاهش جرایم تأثیر فراوانی خواهد داشت. امروزه با پیدایش رشته‌ی جرم‌شناسی از طریق روش‌های علمی و عینی به تحلیل عوامل زیستی، روانی و اجتماعی پیدایش جرم با هدف پیشگیری از وقوع آن و اصلاح بزهکاران پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: ارتکاب جرم، بزهکاران، بحران های اقتصادی، فقر و تنگدستی، ازدیاد جرم

بخش اول: کلیات

بند اول: بحران اقتصادی

بطور کلی بحران عبارت است از پیدایش هرگونه عدم تعادل و برهم خوردن نظم موجود در قلمروهای مختلف حیات بشری. زمانیکه سیستم های فعال بر اثر عوامل درونی و یا بیرونی کارکرد متداول خود را از دست می دهد و عناصر موجود در سیستم دچار تغییرات اساسی می شوند، وضعیت غیرعادی بصورت ناپایداری و بی ثباتی حاصل می شود که با وخامت اوضاع هجوم یک شوک و یا بحران به سیستم تحمیل می گردد. این دگرگونی که می تواند به کارکرد سایر سیستمها تاثیر گذارد، طیف وسیعی از واکنشهای سیستم و غیر سیستم را در پی خواهد داشت. بحران اقتصادی عبارت است از پیدا شدن "اضافه تولید" یعنی پرشدن بازار از کالاهائی که مشتری قدرت پرداخت بهای آن ها را ندارد. وقتی در بازار مشتری نباشد و کالاها فروش نرود طبعاً تولید کالاها نیز کاهش یافته و متوقف می شود و به دنبال آن تعطیل کارخانه ها و بیکاری وسیع و میلیونی کارگران پیش می آید که به نوبه خویش فروش کالاها را باز هم دشوارتر کرده و بر عمق بحران می افزاید. سیستم اعتباری سرمایه داری از کار باز می ماند، بدهکاران توان پرداخت بدهی خود را در سر موعد از دست می دهند. بهای سهام شرکت ها در بازار تنزل می کند، موسسات سرمایه داری یکی پس از دیگری ورشکست می شوند. به این ترتیب آنچه در نظر اول و گام نخست به صورت وجود کالای "زیادی" در بازار تظاهر کرده بود در سیر تکاملی خویش مجموعاً اقتصاد را درهم می ریزد و فاجعه ای پدید می آورد که به مراتب از شدیدترین سوانح طبیعی ویرانگرتر است.

بند دوم: جرم، بزه یا بزهکاری

برخی از حقوقدانان معتقدند نقض قانون هر کشوری در صورتی که انجام وظیفه یا اعمال حقی آن را تجویز نکند مستوجب مجازات هم باشد جرم نامیده می شود. برخی دیگر هر فعل یا ترک فعلی را که نظام، صلح و آرامش اجتماعی را مختل سازد و قانون نیز برای آن مجازاتی تعیین کرده باشد، جرم می دانند (دانش، ۱۳۶۶: ۴۴). قانون گذار در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۶۱ تعریف جرم را چنین ذکر کرده است «هر فعل یا ترک فعل که مطابق قانون

مجازات یا مستلزم اقدامات تأمینی و تربیتی باشد جرم محسوب است و هیچ امری را نمی توان جرم دانست مگر آنکه به موجب قانون برای آن مجازات یا اقدامات تأمینی یا تربیتی تعیین شده است». در نگاهی کلی جرم شامل رفتاری است مخالف نظم اجتماعی که مرتکب آن را در معرض مجازات یا اقدامات تأمینی (تربیتی، مراقبتی و درمانی) قرار می دهد (گلدوزیان، ۱۳۶۹: ۱۴۳).

بخش دوم: عوامل و شاخص ها و آثار بحران

بند اول: عوامل فرعی بحران

برخی از محافل سیاسی جنوب شرق آسیا مسئولیت بحران اقتصادی را به عهده غرب می اندازند. در ماه های اخیر که کشورهای جنوب شرق آسیا مصروف مقابله با بحران اقتصادی اند، در جریان تعداد زیاد تظاهرات خیابانی و اعتصابات، شعار هائی بر علیه غرب داده شده است، و عوامل این بحران را، محافل سیاسی و مالی جهان غرب میدانند. در گیر و دار این بحران در تایلند و کره ی جنوبی، دیگر گونی های عمیق در مقامات رهبری سیاسی این دو کشور رونما گردید که در جریان مبارزات سیاسی، شخصیت های این دو کشور در رسانه های گروهی، محافل غرب و در رأس آنها ایالات متحده آمریکا را متهم می ساختند و ادعا می کردند که در عقب این بحران دست خارج قرار دارد. صدراعظم مالزی دکتر مهاتیر بارها عامل بحران را توطئه بین المللی یهودیان جهان قلم داد کرده است. برخی دیگر، عوامل بحران اقتصادی آسیا را سیاست درهای باز اقتصادی در منطقه دانسته، در عوض، سیاستهای پروتکسیونستی، در های بسته و کنترل شدید رابرواردات پیشنهاد میکنند که زیاد تر رخ تیز این سیاست متوجه کالاهای ساخت غرب است. یکی از شخصیت های برجسته تایلند که تعلیم یافته آمریکا است، و در تکرار دیپلم خود را در تجارت اخذ کرده است، ایالات متحده را متهم می سازد که سیستم مالی تایلند را نقب گذاری می کند. به عقیده او این یک جنگ بدون گلوله است که علیه آسیا آغاز گردیده است. او قسم یاد نموده است که (کو کاکولا) نخواهد نوشید، و جهت صرف غذا به رستورانهای (مکدونالد) نخواهد رفت. (وال ستریت ژورنال ۲ دسمبر ۹۷- ص ۱۷- آ). بر اساس ادعای صدراعظم مالزی دکتر مهاتیر وسایل ارتباط جمعی در سنگاپور، به اشاره غرب بحران اعتماد را در مالزی تشدید میکردند.

بنابراین مردم بسوی دلار هجوم بردند که بالا رفتن تقاضای دلار موجب بالا رفتن نرخ دلار گردید، و به همین شکل بحران تایلند مردم را در مالزی، اندونزی و فیلیپین دستپاچه ساخت، آنها نیز بطرف دلار رو آوردند و پول های محلی خود را به دلار تبدیل نموده رفتند که در نتیجه نرخ دلار در این کشورها بالا رفت. این نوع بی باوری ها و دستپاچگی ها موجب شد بورس نیز در این کشورها پائین بیاید. مثلاً بتاريخ ۸ جنوری بعد از آنکه صندوق وجهی بین المللی به اندونزی تذکر داد که اگر شرایط این صندوق را رعایت نکند، کمک های خود را قطع خواهد نمود. و همچنان رئیس جمهور کلینتون با رئیس جمهور سوهارتو در این مورد تلفنی حرف زد و اظهار نگرانی نمود. باوجود آنکه بازارهای آسیا در حال بهبود بود، دفعتاً در تمام مارکیت های آسیا دوباره بورس شدت سقوط کرد. این همه بخاطر جنبه های روانی قضیه است. علت اساسی این امر که چرا حقایق را در مورد وضع اقتصادی از مردم پنهان میکنند، در همین جنبه روانی مسئله نهفته است در این هیچ شک وجود ندارد که در نوسانات بورس و همچنان در عرصه نوسان نرخ اسعار خارجی عامل روانی یک عامل مهم است، اما هیچگاه عامل اساسی و یگانه عامل نیست. بحران اقتصادی در آسیا از ماه جولای ۹۷ آغاز گردیده است. در غرب درباره این بحران بسیار کم حرف میزدند و امروز که بحران شدت حاصل نموده است و به تدریج خصلت جهانی آن نمایان تر میگردد نیز بسیاری از حقایق را از مردم پنهان میکنند، شاید حق بجانب باشند، زیرا در غیر آن، دستپاچگی مردم بحران اقتصادی را تشدید خواهد شد. (ویلیام، جی، ۱۳۹۰: ۱۰۶).

بند دوم: عوامل اصلی بحران

اگر عوامل خارجی بحران را جدی تلقی نکنیم، بی کفایتی رهبران سیاسی، بحران اداری، عدم تجربه کافی این کشورها در راه سرمایه داری، فعالیت های مشکوک پولی، فرار سرمایه از این کشورها، سهولت ها در اخذ قرضه خارجی و بالاخره عدم توجه جدی صندوق وجهی بین المللی به مشکلات این منطقه و عدم موثریت تدابیر آن و عدم توجه جدی نگرفتن مسئله توسط کشورهای غربی، بدون شک عوامل این بحران را تشکیل میدهند. همه این عوامل دست به دست هم داده و شرایط را برای این بحران مساعد ساخته اند ولی همه این عوامل در درجه دوم قرار داشته و عوامل فرعی بحران تلقی شده می توانند. عامل اصلی و اساسی بحران را باید در جای دیگر جستجو نمود. قبل از آنکه به تشریح عامل اساسی بحران اقتصادی کنونی پرداخته شود،

لازم است کمی در مورد چگونگی نوسانات اقتصادی جهان سرمایه داری حرف زده شود. رشد اقتصاد سرماییداری بصورت نوسانی صورت می گیرد. جریان تحول اقتصاد در سیستم سرماییداری دارای دو قطب است، رفاه اقتصادی و رکود؛ به این شرح که اقتصاد رشد نموده می رود تا در یک نقطه اعظمی رفاه برسد، بعد به تدریج دوباره نزول میکند و طرف رکود می رود. این نوسانات را در اقتصاد کانژانکتور اقتصادی یاد میکنند. در نقطه اوج یعنی رفاه، وضع اقتصادی جامعه خوب می باشد. جامعه جهانی شش ماه قبل در این مرحله قرار داشت و ایالات متحده آمریکا اکنون در بالا ترین نقطه رفاه اقتصادی قرار دارد. (مؤمنی، ۱۳۷۳: ۹۴) حالت رکود، حالت بحران اقتصادی است. به هر مقیاس که رکود عمیق تر باشد، وضع اقتصادی وخیم تر می گردد. بنابر این در مورد اینکه این نوسانات بصورت طبیعی به حال خود گذاشته شود، ویا مداخله صورت گیرد تا از وخامت شدید آن جلوگیری صورت گیرد، در بین علمای اقتصاد دو دبستان عمده وجود دارد، دسته اولی به این عقیده اند که نباید دولت ومؤسسات مالی در جریانات طبیعی اقتصادی مداخله کنند. آنها طرفدار اصل لیسه فیر لیسه پاسی هستند، یعنی بگذار جریان اقتصادی را که راه خود را خود پیدا کند و هیچ نوع مداخله نباید نمود. دسته دومی به پیروی از نظریات اقتصاددان مشهور انگلیسی جان مینارد کینز به این عقیده اند که در دو قطب نوسان کانژانکتور اقتصادی باید مداخله نمود و نگذاشت که رفاه بسیار زیاد به سطح بلند تر برسد وهمچنان باید توسط مداخله کوشید از کساد وخیم اقتصاد جلوگیری نمود، تا مردم کمتر از شدت بحران صدمه ببینند. دکترین مسلط در ایالات متحده وجهان غرب اکنون دکترین کینز است، ولی در آسیا این اصل را زیاد مراعات نمی کنند. (مؤمنی، ۱۳۷۳: ۹۵) وقتی که کانژانکتور اقتصادی به قله رفاه نزدیک می شود تولید کالا در سطح بالا قرار داشته باشد، وبعضاً چنان اتفاق می افتد که در مجموع جامعه تولید بیش از حد صورت گیرد، یعنی بیشتر از ضرورت واقعی جامعه تولید صورت می گیرد. معجزه ژاپن و کره وانکشاف برق آسای اقتصاد کشورهای آسیایی که بنام ببرهای آسیا یاد میشوند، از یک طرف، و داخل شدن کشورهای اردوگاه سابق سوسیالستی در بازار سرماییداری وتولیدات سیل آسای چین در سطح جهانی یکنوع انارشی را در تولید جهانی ایجاد نموده است که این انارشی در تولید موجب اضافه تولید بی سابقه در مقیاس جهانی گردیده است، و با پیروی از نظریات کینز هیچ مداخله از هیچ منبع به منظور جلوگیری از این اضافه تولید

صورت نگرفته است. براساس گفته اوهرکی در هر جا هر چه خواست تولید میکند و به هر قیمتی که برای آن خریدار پیدا شود بفروش می رساند.

بند سوم: علائم و شاخص های شکل گیری بحران های اقتصادی

زمانی که بحران بانکی شروع می شود، بحران های اقتصادی گسترش می یابد. در توضیح این جمله بطور کلی می توان گفت، از بین رفتن اعتماد به نهادهای مالی و ورشکستگی طلبکاران بارزترین شاخصه بروز بحران می باشد. بدلیل وجود بحران و عدم توانایی مالی بدهکاران که از بیکاری و یا کم درآمدی آنها نشأت می گیرد، بانک ها با عدم دریافت مطالبات خود روبرو شده و در نتیجه ذخایر آنها رو به کاهش نهاده و در نتیجه با افزایش ریسک نقدینگی قادر به ایفای تعهدات خود در قبال سپرده گذاران نمی باشند. نتیجه اینکه بحران مالی موجب سلب اعتماد عمومی و هجوم سپرده گذاران به بانکها جهت بازپس گیری سپرده های خود می باشند. در این صورت بدلیل وجود ریسک سیستمی در صنعت بانکداری مشکلات حاد و ورشکستگی بانکهای کوچک به سایر بانکها منتقل شده و کل نظام اقتصادی کشور و پس از آن نظام اقتصادی و فضای اقتصادی سایر کشورها را نیز درگیر می نماید. به عنوان مثال در بحران مالی آسیا در سال ۱۹۹۸، از دلایل ایجاد بحران در شبکه اقتصادی کشور اندونزی، میزان زیاد وام های در حال نکول (NPL) - حدود ۵۷ درصد از کل وام های اعطایی -، حاشیه سود منفی و سیستم اقتصادی ضعیف و کوچک بوده است. بحران مالی در این کشور منجر به کاهش شدید میزان نسبت حقوق صاحبان سهام به کل دارائی های بانک ها شده و حدود دو سوم از کل دارائی های بانک ها از بین رفته و اکثریت بانک ها ورشکست شدند و نقش واسطه گری بانک ها در اقتصاد آن کشور از میان رفته و دولت نتوانست از فروپاشی سیستم اقتصادی جلوگیری نماید. اگر مشکلات یک بانک علنی شود، سپرده گذاران می ترسند و پولشان را از آن بانک بیرون می برند. این باعث ورشکستگی بانک و در نتیجه انتشار عنوان های بزرگتر در روزنامه ها می شود و باز عده بیشتری را می ترساند که سپرده هایشان را بیرون می برند و باعث می شوند بانک های بیشتری ورشکسته شوند. ناگهان هجوم عظیمی به بانک ها شروع می شود. در نتیجه، حکومت ها و بانکداران از هراس زدگی می ترسند و تمام کوششان را برای مخفی نگه داشتن اطلاعات

به خرج می دهند. این رفتار می تواند کار خبرنگاران برای گزارش درباره بانکداری را مشکل کند.

بخش سوم: رابطه میان جرم و شرایط اقتصادی

پژوهش های زیادی درمورد ارتباط میان جرم و شرایط اقتصادی وجود دارد. سرآغاز این پژوهش ها را می توان همزمان با ملی شدن آمار جرایم در فرانسه، در اوایل دهه ۱۸۰۰ با تلاش های کتله و گری برای نشان دادن ارتباط بین جرم و فقر، دانست. از آن زمان تا کنون، صدها پژوهش در مورد این موضوع در مورد ارتباط بین جرم و نوسانات اقتصادی، در اروپا و ایالات متحده آمریکا منتشر شده است. این فرض همگانی، که جرم با نوسانات اقتصادی مرتبط است، احتمالاً بر فرضی درباره رابطه ی میان جرم و بیکاری مبتنی است. لذا نابرابری اقتصادی و معضل جرم، با یکدیگر ارتباط علی و معلولی دارند. در پژوهشی که توسط گار انجام شد، مشخص شد که فقر و ثروت با وقوع جرم عام - نه فقط سرقت بلکه جرم های علیه اشخاص - همبستگی دارد. در لندن، استکهلم و ولز جنوبی جدید، از دهه ۱۸۴۰ تا دهه ۱۹۳۰، هم سرقت و هم تهاجم در دوران کساد اقتصادی افزایش یافت و هنگامی که شرایط اقتصادی بهتر شد، کاهش یافت. (ولد، برنارد، اسنپس، ۱۳۸۸: ۱۵۵-۱۶۳) پس هم فقر و هم نابرابری، به طور قطع با بزهکاری به ویژه بزهکاری خشونت آمیز، همبستگی دارند. به عبارت بهتر، سطح نابرابری اقتصادی کلی در یک جامعه - یعنی شکاف بین ثروتمندترین و فقیرترین شهروند - تأثیری علی بر سطح جرم خشونت بار در آن جامعه دارد. شرایط بد اقتصادی نه تنها به عنوان عاملی مؤثر در وقوع جرم است، بلکه حس افراد را در زمینه ارتکاب جرم، تغییر می دهد. برای مثال، دزدان حرفه ای که سرقت را شرافتمندانه تر از کلاهبرداری و تقلب می دانند، مدعی اند از دزدان می دزدند. (بخارایی، ۱۳۸۶: ۳۲۴) همچنین مشکلات اقتصادی، یک فضای ناامنی در خانواده ها ایجاد می کند، زیرا فردای مبهم و نامعین بر سیستم روانی کودکان فشار آورده و اثر نامطلوب می گذارد. احساس ناامنی و ابهام، مولد ناپایداری و در نتیجه ناسازگاری است. بزهکاری ناشی از عدم تعادل و بروز اختلال در منش است. فقر اقتصادی مانع از رشد عقلی می شود و در نتیجه به طور غیرمستقیم در هوش اثر می گذارد. فاوژ بوتونیه، مدیر آزمایشگاه روان شناسی بالینی در دانشگاه پاریس، درباره بهره هوشی کودکان سیاهپوست آمریکایی در ایالات متحده امریکا، تحقیقی به

عمل آورده است و به این نتیجه رسید که این کودکان در مقام مقایسه با کودکان سفیدپوست هم سن خود، از بهره هوشی پایین تری برخوردارند. در این مقایسه، باید به یاد داشت که شرایط اقتصادی خانواده های سیاهپوست به مراتب پایین تر از خانواده های سفیدپوست بوده است. لذا تغییرات سطح اقتصادی، تغییرات سطح هوش را در پی داشته است. در صورتی که جامعه از حیث اقتصادی در رفاه باشد، مطمئناً جرایمی نیز که ریشه در فقر و مشکلات مالی افراد دارند، کمتر به وقوع خواهند پیوست و در مقابل تردیدی نیز وجود ندارد که هرچه شرایط اقتصادی اجتماع از وضع نامطلوب تری برخوردار باشد، در واقع زمینه های ارتکاب جرایم مرتبط با معضلات مالی به حداکثر رسیده در نتیجه به میزان اینگونه جرایم افزوده خواهد شد. یک مجرم عقلایی، در واقع به هزینه فرصت جرم در جامعه پاسخ می دهد و اوضاعی که هزینه فرصت جرم را در جامعه کاهش می دهد، زمینه مناسبی برای انواع بزهکاری ها مانند سرقت و خشونت ورزی در جامعه فراهم می کند. افزایش بیکاری، همراه با افزایش تنگناهای درآمدی بیکاران سبب می شود که بزهکاران بالقوه، انگیزه بیشتری برای دست زدن به بزه هایی مانند دزدی پیدا کنند. دزدی برای بیکاران (بی درآمد)، فرصتی درآمندی شمرده می شود که به کمک آن، کمبودهای درآمدی را جبران کنند و نیازهای بنیادی را برآورند. (مداح، ۱۳۹۰: ۱۹۲) فرمانده نیروی انتظامی در حاشیه همایش تخصصی رؤسای پلیس امنیت اخلاقی، به خبرنگاران گفت: «نوسانات اقتصادی اخیر و افزایش قیمت ها، موجب بیشتر شدن سرقت های خرد در کشور شده است». (سایت خبری تحلیلی شفاف، ۱۳۹۲) صادقی و همکاران، در قالب الگوی اقتصاد سنجی و با استفاده از داده های ترکیبی مقطعی - سری زمانی، عوامل اقتصادی جرم (قتل و سرقت) را در ۲۶ استان کشور طی دوره ای ۵ ساله (۸۰-۱۳۷۶) بررسی کرده اند. نتایج تحقیق آنان نشان می دهد در دوره مطالعه، متغیرهای نرخ بیکاری، نابرابری درآمدی و صنعتی شدن از جمله متغیرهای مهم و تأثیرگذار بر سرقت در کشور بوده است، به گونه ای که افزایش میزان بیکاری و نابرابری درآمدی باعث افزایش میزان سرقت در ایران شده است. همچنین، متغیرهای بیکاری، فقر نسبی و نابرابری درآمدی از جمله عوامل تعیین کننده ارتکاب قتل در ایران بوده و با آن رابطه ای مستقیم داشته است. (صادقی، شقاقی شهری واصغر پور ۱۳۸۴: ۶۳- ۹۰)

بخش چهارم: عوارض بحران اقتصادی و آثار جرم شناختی آن

جرایمی وجود دارد که به طور مستقیم با شاخصه‌ها و شرایط اقتصادی در ارتباط است از جمله جرایم مالی و مادی مثل کلاهبرداری، سرقت، تکدی گری و حتی معضل زنان خیابانی. در این نوع جرایم مستقیماً عوامل اقتصادی نقش دارد. جرایم دیگری هم هست که شرایط اقتصادی به صورت غیر مستقیم در آن ایفای نقش می‌کند. بعلاوه ما مثلاً در برخی قتل‌ها می‌بینیم که قتل به دنبال سرقت انجام می‌گیرد. مورد دیگر خودکشی است. در این موضوع نیز عوامل اقتصادی دخیل است. رکود اقتصادی، بیکاری، فقر، نداشتن مسکن و... می‌تواند موجب بروز خودکشی هم بشود. باز جرایم دیگری مانند زورگیری، کیف قاپی و خفت‌گیری از مواردی است که می‌توان آنها را ناشی از شرایط اقتصادی دانست. همچنین شرایط اقتصادی می‌تواند فشارهای روحی - روانی را به افراد وارد و اختلافات خانوادگی و درگیری ایجاد کند یا زمینه‌ساز فرار از خانه و ترک منزل شود.

بند اول: بیکاری از منظر جرم‌شناسی

دومیترو (۲۰۱۲) در پژوهشی که بر اساس داده‌های کشور رومانی و شهر بخارست پایتخت این کشور انجام داده است به بررسی رابطه بین نرخ ارتکاب جرم، بیکاری و میزان دانش آموزان مدرسه‌ای پرداخته است. تأثیر بیکاری بر روی ارتکاب جرم مثبت و تأثیر میزان دانش آموزان مدرسه‌ای در این پدیده منفی بوده است. آلتینداگ (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین ارتکاب جرم و بیکاری در اروپا می‌پردازد. ایشان بر اساس یک مطالعه بین‌کشوری نتیجه می‌گیرد اثر بیکاری بر پدیده جرم به ویژه جرایم علیه اموال به طور معناداری مثبت است. دانگشو و ژونگ‌مین (۲۰۱۱) در طی مقاله‌ای رابطه بین جرم، نابرابری درآمدی و بیکاری را در کشورهای انگلستان و ولز بررسی نموده‌اند. این مطالعه که بر اساس یک مدل داده‌های تلفیقی تخمین زده شده است رابطه بین بیکاری و نابرابری درآمدی را قویاً اثبات نموده و نتیجه می‌گیرد که ارتکاب جرم ذاتاً و در سطح کلان اقتصادی یک پدیده اقتصادی می‌باشد و برای مبارزه با آن رفع معضلات اقتصادی در درجه اول اهمیت قرار دارد.

لی (۲۰۰۹) در مقاله ای تئوریک و غیراقتصاد سنجی به بررسی رابطه بین بیکاری و جرم پرداخته است. این پژوهش گر بر اساس توابع ریاضی و مدل های مورد استفاده افراد را به دو دسته کلی کارگر یا مجرم تقسیم نموده است. عدم استفاده از روش های اقتصاد سنجی و بهره گیری از یک مبانی خرد تئوریکی باعث شده است که نتیجه ای جالب حاصل گردد و آن این که نرخ بیکاری همواره اثر مثبت بر جرم نداشته و تنها زمانی که شدت مجازات از یک حد آستانه ای فراتر رود این اثر ظاهر می گردد. در ضمن نتیجه گرفته است پرداخت بیمه بیکاری تأثیر چندانی بر کاهش ارتکاب جرم نخواهد داشت. نتایج این تحقیق اگر چه جالب توجه است، اما به دلیل اینکه فعلاً در معرض آزمون تجربی واقع نشده است قابلیت اتکای مستحکمی در بر ندارد و می بایست با تأمل مورد استفاده واقع شود .

بند دوم: فقر از منظر جرم شناسی

بیکاری عامل مهمی در ایجاد فقر است و فقر و محرومیت مادی را شاید بتوان گفت از مهمترین عوامل به وجود آورنده انحرافات است. فردی که دچار آسیب اجتماعی است از یک سو از لحاظ روانی احساس حقارت و مغبونی بودن می کند و از جامعه طلبکار می شود و از سوی دیگر چون جامعه را مسئول محرومیت خود می پندارد، نوعی احساس انتقام کشی در او پرورش می یابد. بدین ترتیب کوشش او برای فقرزدایی چه بسا در مجاری غیر قانونی و ضد اجتماعی افتاده، به سرقت و جنایت کشیده می شود. (ستوده اصل، ۱۳۷۷، : ۲۱) مکتب تحقیقی جنایتکاران را به پنج دسته تقسیم می کند که تأثیر فقر را تنها در ارتکاب جرم توسط یک دسته از آنها می پذیرد: ۱- جانی بالفطره ۲- جانی دیوانه ۳- مجرمین به عادت ۴- جانی حساس و ۵- جانی اتفاقی، جانی اتفاقی کسی است که اتفاقاً تحت تأثیر عوامل و نیروهای چون فقر و بیکاری مرتکب جرم می شود. این دسته فطرتاً دارای طبع بزهکار نبوده و ممکن است از عمل خود هم پشیمان شده و به جرم خود نیز اعتراف نمایند. این دسته از مجرمان معمولاً خطرناک نبوده لیکن در یک زمان خاص و تحت تأثیر عوامل اجتماعی و اقتصادی عنان اختیار از دست داده و مرتکب جرم می شوند. با توجه به همین اعتقاد به تأثیر عوامل اقتصادی است که در تنظیم سیاست کیفری در مورد پیشگیری از وقوع جرایم به مسایل اقتصادی توجه نموده و با تذکار به آنکه یکی از علل مهم وقوع جرایم، علل بزه زای خارجی است، تصریح نموده اند که بهبود وضع اجتماع و

وضع اقتصادی موجب می شود که تعداد جرایم به مقدار زیادی کاهش یابد. این مکتب پیشنهاد می کند برای کم کردن جرایم بهتر است به جای مجازات کردن مجرمان با تحول در وضع اقتصادی و اجتماعی جامعه موجبات ارتکاب جرم را از بین برد، چه همانطور که آنریکو فری گفته: «برای دفاع در قبال بزهکاری و اعتلاء سطح اخلاقی مردم، کوچکترین پیشرفت در وسایل و اقدامات جلوگیری از جرایم هزار بار بیش از تدوین یک دوره قانون جزا ارزش دارد.» (محسنی، ۱۳۵۴، ۲۲۵- ۲۲۶) برای تبیین تأثیر فقر بر ارتکاب جرم و به تعبیری اثبات وجود رابطه همبستگی بین آن دو پدیده باید همبستگی بین نوسانات اقتصادی و تغییرات تبهکاری را مورد بررسی قرار داد تا روشن گردد که آیا همبستگی مثبت بین آن دو برقرار است یا همبستگی منفی؟ در وجود یک همبستگی مثبت بین بحران های اقتصادی و افزایش بعضی از گونه های تبهکاری به ویژه سرقت تردیدی نیست و آمارها نیز اغلب آن را تأیید کرده است. بحران های اقتصادی با تأثیرگذاری بر تغییرات مواد مصرفی و ضروری اولیه، تغییرات قدرت خرید و افزایش بیکاری بر تبهکاری و بزهکاری می افزاید. این همبستگی به آسانی قابل توجیه است. بحران های اقتصادی ناگهان تعدادی از اشخاص را از استقلال اقتصادی و حتی از ثروت محروم و دچار وابستگی و فقر می سازد. تعداد این اشخاص بستگی به شدت بحران دارد. هر قدر بحران شدیدتر باشد، تعداد بیشتری از اشخاص دچار چنین مشکلاتی می شوند. در میان این عده بعضی به دلیل نداشتن تربیت صحیح دینی و حتی اجتماعی در مقابل وسوسه های شیطانی به اندازه ای ضعیف هستند که یارای مقاومت با آنها را ندارند و نمی توانند خود را با اوضاع و احوال نوینی که بر آنان بوجود آمده است تطبیق دهند، عنان قدرت را از دست می دهند و برای چاره جویی به جرایم سرقت، کلاهبرداری، خیانت در امانت، ولگردی و مانند آن روی می آورند. از طرف دیگر قحطی و گرسنگی و آینده مبهم اشخاص را به نومیدی سوق می دهد و باعث می شود که در نومیدی دست به شورش، ضرب و جرح و اهانت نسبت به نمایندگان قدرت عمومی و حافظان نظم از جمله نظم اقتصادی بزنند. (کی نیا، ۱۳۸۸: ۱۸۷) این توجیه را به نیکی می توان از سخنان گرانقدر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم که فرمود «الفقر سواد الوجه فی الدارین» و «الفقر کاد ان یکون کفرا» و نیز از کلام بلند امیرالمؤمنین علیه السلام که فرمود: «یا بنی انی اخاف علیک الفقر فاستعذ بالله منه فان الفقر منقصه للدين، مدهشه للعقل، داعیه للمقت» استنباط نمود. تأثیر این متون دینی بر گفتار ادیبان نیز هویدا است.

بند سوم: اضطراب مرضی از منظر جرم‌شناسی

اضطراب حالتی است ناخوشایند و نامطبوع که همراه خود احساس ناامنی، هیجانات نامطلوب و ترس‌های غیر عادی و عادی و حالات مشابهی ظاهر می‌سازد. ضمناً تغییرات جسمانی مانند تغییر فشار خون، ضربان قلب، نبض و تعریق نیز آشکار می‌گردد. (کی‌نیا، ۱۳۸۸؛ ۴۴۸) حالت اضطراب، ترکیبی از عوارض جسمانی و روانی از قبیل تپش قلب، عرق کردن، خشک شدن دهان، اختلالات معده و شکم، رعشه، تنش و ترس می‌باشد. (نجفی ابرند آبادی، هاشم بیگی، ۱۳۹۰؛ ۲۰۰) جنبه فیزیولوژیکی اضطراب مربوط به برانگیختن سیستم عصبی است که آن را به صورت یک هیجان معرفی می‌کند، این جنبه شامل ضربان قلب، افزایش تنفس، مقاومت الکتریکی پوست، تعریق، حالت تهوع، اسهال، فقدان اشتها، بی‌خوابی، احساس خفگی، سردردهای متوالی، درد و فشار در سینه، احساس کمرختی خصوصاً در پاها و پنجه‌ها، سرگیجه و غش، تنش‌های عصبی، حملات گریه کردن، فشار خون بالا، ناخن جویدن، سوءهاضمه‌های متعدد، ارتعاشات عضلانی بیش از حد و پایین آوردن آستانه‌ی پاسخ‌های حرکتی (از جا پریدن) می‌گردد. علایم روانی اضطراب شامل کج خلقی دائم با مردم، احساس عدم توانایی، بی‌علاقگی به زندگی به طور دائمی یا ادواری، ترس از بیماری، احساس گناه، احساس بد بودن، بی‌علاقگی نسبت به سایر مردم، اشکال در تصمیم گرفتن، هراس از آینده، اشکال در تمرکز حواس، ترس شدید از یک فضای بسته یا از تنهایی، عدم توانایی در اتمام یک کار قبل از پرداختن به کار دیگر، ترس از دست دادن کنترل، از دست دادن احساس لذت و احساس هدف دشمنی دیگران قرار گرفتن می‌باشد. (ولمن، ۱۳۷۵؛ ۲۴۰) منبع اضطراب هر چه باشد، تجربه‌ای دردناک است و افراد برای آنکه آن را تجربه نکنند تقریباً به هر عملی، متوسل می‌شوند. مخالفت با افراد مختلف در خانه و یا خارج از آن، از خصوصیات بعضی از آنان است که ممکن است با پرخاشگری کلامی یا غیر آن همراه باشد. هنگامی که افراد مضطرب با یک موقعیت استرس‌زا یا خطرناک مواجه می‌شوند و فردی در یک مشاجره‌ی لفظی تهدیدشان کند، یا هنگامی که ترمز اتومبیل ببرد، در این هنگام آنان به طور افراطی و غیر طبیعی، احساس لرزه و رعشه می‌کنند. دهانشان خشک می‌شود، در معده‌شان احساس سوزش کرده و عصبی می‌شوند. به عبارت رساتر، اضطراب و ترس روحی را بیش از حد واقعی تجربه می‌کنند، علی‌رغم این حقیقت که برای هر تکلیفی، درجاتی از اضطراب ضروری و طبیعی است به سبب آنکه شخصیت مضطرب،

شخصیت مواج و در اختیار حوادث است. (کوپر، ۱۳۷۱: ۳۲) شخصی که دچار اضطراب مرضی می باشد، با آنکه دارای هوشیاری و آگاهی است اما در اثر استیصال و درماندگی و تجربه اضطرابی عمیق و ریشه دار در لحظه ی بحرانی، ممکن است قدرت تصمیم گیری صحیح را از دست داده، دچار رفتار مجرمانه می شود. بروز اضطراب آنقدر با اهمیت می باشد که فروید می گوید: «جرم، عکس العملی علیه اضطراب است». لذا با توجه به ادراک و آگاهی این اشخاص بر اعمالشان دارای مسئولیت کیفری می باشند و تنها قاضی می تواند با توجه به تأثیر رکود اقتصادی و فشارهای ناشی از آن، در مجازات آنان تخفیف را اعمال نماید.

بند چهارم: افسردگی حاد و مزمن از منظر جرم شناسی

از جمله علل ابتلاء به افسردگی، فشارهای مالی و یا بیکاری ناشی از رکود اقتصادی است. شخصی که در اثر رکود اقتصادی شغل خود را از دست داده و یا نتوانسته است شغلی بیابد و یا در جهت تأمین نیازهای اولیه خود و خانواده اش دچار فشار گردد، دچار ناامیدی نسبت به آینده شده و از جامعه فعال بیرون رانده شده و حاشیه نشین و غیر اجتماعی می گردد. از آن جایی که مردان نان آور خانه به شمار می آیند، بحران مالی آسیب های جدی به روان آنان وارد می کند. افسردگی خشم فروخورده است که احساس بیچارگی، بی ارزشی، گناه و پشیمانی را در فرد ایجاد می کند. این استیصال و رسیدن به بن بست به نحوی است که هر محرک کوچکی می تواند آن را تشدید یا تحریک کند. همانگونه که در فصل دوم بیان گردید، در بسیاری از موارد، بیمار مبتلا به افسردگی حاد از نقصان قوای شناختی خود مانند: هوش، حافظه، عدم تمرکز حواس و فکر شکایت می کند، ولی تحقیقات نشان داده است که کاهش در استعدادهای فرد افسرده وجود ندارد و این خود شخص افسرده است که نیروی زیادی از خود را صرف برطرف کردن افسردگی می کند، و نیز توقعی که از توانایی های خود دارد غیر واقعی است. اغلب بیماران مبتلا به افسردگی حاد از بی خوابی رنج می برند. آنها سخت به خواب می روند و زود بیدار می شوند، افسردگی این افراد بیشتر در صبح است تا اوقات دیگر روز. همراه با آن بی خوابی، بی اشتها، کم شدن وزن و یبوست نیز وجود دارد. تمایلات جنسی کاهش می یابد و گاهی حتی منجر به عدم توانایی جنسی می گردد. بیمار افسرده نسبت به دردهای جسمی حساس است، همین طور نسبت به فشارهای روحی حساسیت شدید دارد که اغلب ناشی از احساس خود کم

بینی است. او دائماً مشغول خود آزاری، قضاوت سخت، ملامت، پشیمانی و حسرت نسبت به اعمال، رفتار، اشتباهات و شکست های گذشته خود است، هر چند که ممکن است موضوع کوچک و بی اهمیت باشد. احساس بی ارزشی، بیچارگی، گناه و پشیمانی اساس حالات بیمار افسرده را شامل می شود. اگر این حالات شدت یابد، بیمار افسرده به عنوان راه نجات به فکر خودکشی می افتد. در حدود ۷۵ درصد بیماران مبتلا به افسردگی حاد، به خودکشی فکر می کنند و ۱۰ تا ۱۵ درصد آنها به انجام این امر اقدام می کنند. گرچه خودکشی در بیماران افسرده زیاد است، ولی این خطر برای افراد دیگر به ویژه اطرافیان بیمار نیز وجود دارد. بیماران افسرده، گاهی قبل از خودکشی، افراد خانواده ی خود را از بین می برند، زیرا به این اعتقاد می رسند که زندگی آنها نیز مانند زندگی خودشان، پوچ و بی ارزش است و با کشتن آنها در حقشان لطف و محبت می کند. بیمار مبتلا به افسردگی حاد، دچار هذیان هایی می شود که به وسیله ی آنها واقعیت را تحریف و مسخ می کند و معمولاً این هذیان ها شامل تهمت هایی نا بجا و غیر واقعی نسبت به خود است، البته توأم با احساس عدم ارزش، نفی وجود و این احساس که واقعیت های درون و بیرون از بین رفته اند. این هذیان ها و توهمات با خطاهای ادراکی توأم نیستند.

نتیجه گیری

امروزه با پیدایش رشته ی جرم شناسی از طریق روش های علمی و عینی به تحلیل عوامل زیستی، روانی و اجتماعی پیدایش جرم با هدف پیشگیری از وقوع آن و اصلاح بزهکاران پرداخته شده است. از آنجا که وضعیت اقتصادی یک جامعه و عواملی مانند: بیکاری، فقر، توزیع نابرابر در آمد و تورم نقش تعیین کننده ای بر اعمال و رفتار افراد در جامعه دارند، انتظار می رود که ساختار اقتصادی جامعه بر میزان فعالیت های مجرمانه ی افراد اثر گذار باشد. به عبارت دیگر دلیل بسیاری از جرایم را می توان در بطن جامعه مورد بررسی قرار داد. از قدیم این اعتقاد وجود داشته که وضع بد اقتصادی و فقر در ایجاد بزهکاری مؤثر است. زیرا رشد بی رویه جمعیت و توسعه کنترل نشده شهرنشینی منجر به نوعی تقابل فرهنگی بین فرهنگ روستایی و شهری شده که به ناهمگون شدن ارزشها، تنوع گروه ها و تغییر کاراکتر جامعه کمک کرده است. از نظر منطقی کاملاً روشن است که بین وضع اقتصادی یک جامعه و میزان جرایم رابطه نزدیکی برقرار است و به همین علت است که ترقی وضع اقتصادی با کم شدن جرایم و بحران های اقتصادی با افزایش

جرایم و جنایاتی توأم بوده است. بحران اقتصادی بر ارتکاب جرم نقش موثری داشته و دارد به گونه ای که هر یک از مصادیق بحرانهای اقتصادی (فقر، تورم، بیکاری) تأثیر مستقیم بر رفتارهای انحرافی افراد جامعه گذاشته بر این اساس فقر، تورم، بیکاری، به عنوان مسائل اجتماعی در وقوع انحرافات و افزایش میزان آن به ویژه در جرایم اعتیاد، سرقت، کلاهبرداری و... بسیار موثر بوده است در تعالیم دینی نیز همبستگی متقابل بین این معضلات و ارتکاب جرم مورد تأیید است. تأثیر بحران اقتصادی از منظر تئوریهای جرم شناسی تا حدودی قابل تبیین است. هر یک از این نظریه ها (نظریه روانشناختی- نظریه فشار مرتون- نظریه محیط اقتصادی- نظریه چندعاملی) در محدوده خود می تواند موثر باشد. بحران های اقتصادی بر جرایم فراملی (پولشویی و رشوه) هم تأثیرگذار بوده به گونه ای که امروزه مقابله با آن در تمامی کشورهای دنیا یک امر جدی تلقی شده و در مقابله با آن اقداماتی در سطح دنیا انجام شده است. اقتصاد سالم در جوامع یکی از مهم ترین نیازهای حیات جوامع بشری است و بدون یک اقتصاد پویا جامعه و افراد آن نمی توانند به سعادت نایل آیند اقتصاد جامعه و زندگی افراد با هم دیگر تأثیر متقابلی داشته است.

اردبیلی، محمد علی، (۱۳۹۰)، حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ بیست و هفتم، نشر میزان.
 باربر، ویلیام جی. (۱۳۷۰). سیر اندیشه های اقتصادی، ترجمه تیموری، حبیب اله ، چاپ اول، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.

بهکش، محمد مهدی. (۱۳۸۰). اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن، تهران، انتشارات نی بابایی، محسن (۷۸) تعدیل ساختاری فقر و ناهنجاری اجتماعی، تهران، انتشارات ققنوس بخارایی، احمد (۱۳۹۰)؛ جامعه شناسی انحرافات اجتماعی، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ اول. بخارایی، احمد، (۱۳۸۶)، جامعه شناسی انحرافات اجتماعی در ایران، چاپ اول، انتشارات پژوهاک جامعه، تهران.

جرج ولد، توماس برناردو جفری، اسنیس. (۱۳۸۰). جرم شناسی نظری (گذری بر نظریه های جرم شناسی)، ترجمه شجاعی، علی، تهران، انتشارات سمت.

دانش، تاج زمان، (۱۳۸۸)، مجرم کیست. جرم شناسی چیست، انتشارات کیهان، چاپ یازدهم. سرکشیکیان، محمدحسین (۱۳۸۸)، سازوکارهای مبارزه با بحران های اقتصادی در نظام حکومتی امام علی (ع)، قم انتشارات ایمان

فهمید خان، میم (۱۳۸۵) هزینه سرمایه برای یک مؤسسه اسلامی در قبال کشورهای جهان، ترجمه اقبالی، علی رضا.

فرجاد، محمدحسین. (۱۳۷۵). آسیب شناسی اجتماعی و جامعه شناسی انحرافات، چاپ هفتم، تهران، انتشارات بدر.

کی نیا، مهدی. (۱۳۷۰). مبانی جرم شناسی، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

کوپر، کری، (۱۳۷۱)، زندگی با اضطراب، ترجمه ی ماشاء الله مدیحی، انتشارات یادآوران، چاپ اول.

کی نیا، مهدی، (۱۳۸۸)، روان شناسی جنایی، جلد اول، چاپ ششم، انتشارات رشد.

کی نیا، مهدی، (۱۳۸۸)، مبانی جرم شناسی - جامعه شناسی جنایی، جلد دوم، چاپ نهم، انتشارات دانشگاه تهران،

لانگست، پیترو و دیگران. (۱۳۸۷). برنامه های جهانی مبارزه با بحران اقتصادی، چاپ اول، تهران، انتشارات مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.

مؤمنی، فرشاد. (۱۳۷۳). کالبدشناسی یک برنامه توسعه، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.

ب) مقالات

جوانمرد، بهروز، درآمدی بر دو نظریه ی جرم شناختی تراویس هیرشی، نشریه تعالی حقوق، سال دوم، ۱۳۸۹، شماره ۴

سلیمی، صادق (۱۳۸۷)؛ مجرمین یقه سفید و سیاست کیفری ایران، فصلنامه ی حقوق، مجله ی دانشکده ی حقوق و علوم سیاسی، دوره ی ۳۸، شماره ی ۴.

سایت خبری تحلیلی شفاف، تأثیر نوسانات اقتصادی بر افزایش آمار جرایم، کد خبر: ۱۵۲۲۶۸، تاریخ انتشار: ۱۳ آذر ۱۳۹۱

صادقی، حسین، شقاقی شهری، وحید، اصغر پور، حسین، تحلیل عوامل اقتصادی اثرگذار بر جرم در ایران، مجله تحقیقات اقتصادی، ۱۳۸۴، شماره ۶۸

محسنی، فرید (۱۳۸۶)، جرایم شرکتی از دیدگاه جرم شناختی، فصلنامه ی علمی - پژوهشی دیدگاه های حقوق قضایی.



مرکز آموزش ملی-کاربردی
سازمان همیاری شهرداری های
ایران



اسلام علمی قانون

بنیاد علمی قانون یار برگزار می کند

با همکاری و حمایت معنوی
مرکز آموزش علمی- کاربردی سازمان همیاری شهرداری های استان اصفهان



همایش ملی

علمی- پژوهشی فقه و حقوق اسلامی



پایگاه های نمایه کننده مقالات همایش

Sponsored and Indexed by

CIVILICA

We Respect the Science

Sponsored And Indexed

T **PBIN.com**

همایش های ایران

Qsymposia

CONF PAPER

مکتبانه

مکتبانه

مکتبانه

مکتبانه

مسئول برگزاری

دکتر بهنام اسدی

محور های همایش:

پذیرش مقاله در تمامی زمینه های علوم تربیتی و روان شناسی (تمامی گرایش ها)، برنامه ریزی درسی، علوم مشاوره، فلسفه تعلیم و تربیت، آموزش و پرورش، آموزش الکترونیک، برنامه ریزی آموزش عالی، علوم اجتماعی، فرهنگ، هنر (تمام گرایش ها)، ارتباطات اسلامی و سایر موضوعات مرتبط با علوم انسانی

۱۵

بهمن ماه

۱۳۹۸

اصفهان سالن اجلاس دانشگاه



ارکان کلیدی همایش

دبیر اجرایی همایش:

دکتر امین امیریان فارسانی

رئیس هیات داوران:

دکتر سعید سامانی مجد

رئیس شورای سیاست گذاری:

دکتر سعید خردمندی



جهت چاپ مقالات خود در دیگر همایش های قانون یار

کافیست فایل word مقاله خود را به همراه شماره تماس به آدرس ایمیل زیر ارسال نمایید

phdsara@yahoo.com

ارسال مقاله در واتس آپ یا تلگرام به شماره

09100636002

همایش های علمی و پژوهشی، هر ساله در دو نوبت برگزار می شود



دبیرخانه همایش: تهران، میدان انقلاب، خ مثنوی جاوید، کوچه مینا، پلاک ۲۹، طبقه سوم

واحد مشاوره ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹ - ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۲۶ واحد صدور مدرک ۰۲۱۴۴۴۴۱۷۶۴

www.olomensani.IR

۰۲۱۴۴۴۴۱۷۶۴